

چگونگی تألیف تاریخ جهانگشای جوینی و اهمیت آن



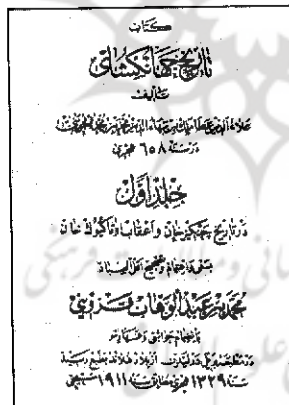
◦ غلامرضا پورصفر

تاریخ جهانگشای جوینی نخستین متن در تاریخ عصر مغول به زبان فارسی و در ضمن یکی از مهم‌ترین منابع برای بررسی این دوره است. تاکنون مطالب قابل توجهی درباره این کتاب، ویژگی‌ها و اهمیت آن به صورت مقاله یا در لابه‌لای آثار تاریخی و ادبی نوشته شده است که در رأس آنها مقدمه عالمانه علامه قزوینی بر این کتاب است. مطلب حاضر به جهت گردآوری و یادآوری نکات مهم در خصوص این منبع ارزشمند به چاپ می‌رسد.

مقدمه:

بهاء‌الدین جوینی، در ایام خدمتگزاری به امیر ارغون و صاحب‌دیوانی مغولان در ایران؛ پسر جوان خود؛ «عظاملک جوینی» را که هفده یا هیجده سال بیشتر نداشت، به عنوان دبیر در دستگاه امیر ارغون داخل کرد^۱ چنانکه عظاملک جوینی می‌گوید: «پیش از آنکه سن شیبب به دندان گیرد، به کار تحریر و دیوان اشتغال نمودم»^۲ امیر ارغون، در دوران حکومتش در ایران، به منظور عرض گزارش (مقرر حکومتی خود) به امپراتوران مغول؛ پنج بار، به قراقورم (پایتخت مغولستان) مسافرت

عظاملک جوینی شرح کامل لشکرکشی‌های مغولان را در کتاب خویش نقل کرده است



«... چون به چند نوبت دیار ماوراءالنهر و ترکستان تا سرحد ماچین واقصی چین که مقر، سریر مملکت و اروغ اسباط چنگیزخان است و واسطه عقد ملک ایشان مطالعت افتاد و بعض احوال معاینه رفت و از معتبران و مقبول قولان وقایع گذشته را استماع افتاد و از التزام اشارت دوستان که حکم جزم است چون چاره ندید عدول نتوانست و امتثال به امر عزیزان را حتماً مقضیاً دانست آنچ مقرر و محقق گشت در قید کتابت کشید و مجموعه این حکایات را به تاریخ جهانگشای جوینی موسوم گردانید»^۳.

در واقع منظور عظاملک جوینی، از «جهانگشا» همان

چنگیزخان است. به طوری که خود بر آن تصریح دارد: در چون فرمان جهان مطاع شاه جهانگشای چنگیزخان بر آن جملت صادر بود...^۴

زمان تألیف جهانگشای جوینی:

چنانکه از قراین برمی‌آید، عظاملک جوینی این کتاب را در طی سنوات مختلف و معینی تألیف کرده است. کثرت اشتغال او به امور دیوانی و عدم استقرار او در مکانی معین، باعث شد، که هر بخش یا بخش‌هایی از کتاب را بدون نظم، در اوقاتی که برای او، فرصتی دست می‌داده بنویسد.^۵ او تصریح می‌کند که «و اگر فارغ دلی باشد که روزگار بر تعلیق و تحصیل مصروف کند و همت او بر ضبط احوال مشغول باشد، در زمانی طویل از شرح یک ناحیت نکند و آن را در عقد کتابت نتواند کشید تا بدان چه رسد که از روی هوس محرر این کلمات

کرد. در اغلب این سفرها، علاءالدین عظاملک، که منشی مخصوصش بود، او را همراهی می‌کرد.^۶ نزدیک ده سال از عمر علاءالدین در این سفرها گذشت، چنانکه خود تصریح دارد: «چه مدت ده سال می‌شود که پای در راه اغتراب نهاده است و از تحصیل اجتناب نموده»^۷.

این سفرها و خسر و نشر با رؤسای ایلات و فئودال‌های اشرافی - ایلی، و دیدن وقایع دربار و سراسر امپراتوری در رشد شخصیت، تکوین جهان‌بینی و کسب اطلاعات ذی‌قیمت، و تجربیات فراوان وی بسیار سودمند افتاد، و سرانجام همین تجربیات گرانبها؛ نه تنها از او شخصیتی معتبر و مهم ساخت، بلکه دستمایه تدوین کتاب بزرگ او، تاریخ جهانگشای، نیز گردید.^۸ او خود چگونگی تألیف تاریخ جهانگشای را این طور بیان می‌کند:

آباقاخان سوار بر اسب، مینیا تور
ایرانی، از کتاب چنگیزخان و
امپراطوری مغولان



بسیاری از مورخان و از آن جمله
جوینی، از وجود نسخ کتبی
یاساسخن گفته‌اند. به گفته
جوینی، این قوانین بر اوراقی
که در خزانه شاهزادگان بزرگ
حفظ می‌شده، تحریر گشته بود

بین سال‌های ۶۵۰-۶۵۸ یا ۶۵۱-۶۵۸ ه.ق. است.^{۱۲}
وضع و ترتیب و منابع مورد استفاده در تاریخ جهانگشای جوینی:
تاریخ جهانگشای جوینی، چنانچه خود مؤلف آن را تقسیم‌بندی کرده،
در ۳ مجلد است.^{۱۳} جلد اول، بعد از دیباچه طولانی آن، شامل فصلی
در آداب و رسوم مغول قدیم و فصلی در قوانین چنگیزخان، معروف به
یاسای چنگیزی، پس از آن تاریخ چنگیزخان و خروج وی و فتوحاتش
در سرزمین اویغور، شرحی در باره اقوام اویغور و عقاید و آداب و رسوم
آنها، سپس از لشکرکشی و فتوحات چنگیزخان به ماوراءالنهر و
ایران و قتل عام و نابودی و تخریب آن سرزمین‌ها و ساقط کردن
حکومت خوارزمشاهیان و سایر وقایع تا وفات چنگیزخان (۶۱۵-
۶۲۴ ه.ق.) و تاریخ سلطنت اوکتای قآن بن چنگیزخان (۶۲۶-
۶۳۹ ه.ق.) و حکایات مربوط به او، همچنین دوره نیابت سلطنت
توراکینا خاتون، مادر کیوک خان (۶۳۹-۶۴۳ ه.ق.)، و سلطنت کیوک
خان اوکتای قآن (۶۴۳-۶۲۴ ه.ق.) و سپس شرح مختصری در
تاریخ جوچی بن و جغتای، پسران چنگیزخان، جلد اول را ختم
می‌نماید.^{۱۴}

با وجود اینکه عطاملک جوینی، در نوشتن جلد اول، از منابعی
سودجسته، ولی بیشتر اطلاعات او، حاصل پنج بار سفری است که به
همراه امیر ارغون به «قراقروم» پایتخت مغولان انجام داده بود.
علاءالدین شرح کامل لشکرکشی‌های مغولان را در تاریخ خویش نقل
کرده است. کتاب او در همان سال تألیف کتاب جوزجانی (طبقات
ناصری)، نوشته شده است. به دلیل جوانی عطاملک هنگام تألیف
کتاب، نمی‌توان او را در شمار معاصران هجوم مغول محسوب

را با آنکه طرفه العین زمان تحصیل میسر نیست، چه مگر در اسفار
بعید یک ساعت در فرصت نزول اختلاسی می‌کند و آن حکایات را
موادی می‌نویسد.^۹

از اینجا مشخص می‌گردد، که مواضع مختلف کتاب در
تاریخ‌های متفاوت نوشته شده است. از دیباچه جلد اول و سوم کتاب
معلوم است که منگوقاآن، در حین تألیف کتاب در قید حیات بوده
است و وفات منگوقاآن در اواخر سنه ۵۸۷ و ۵۸۸ ه.ق. (۶۵۶
ه.ق.) یا اوایل سنه ۵۸۷ و ۵۸۸ ه.ق. بوده
است.^{۱۰}

عطاملک جوینی در دو جای مختلف کتاب، در حق پدر خود یعنی
بهاءالدین محمد که در سال ۶۵۱ ه.ق. وفات یافت، دعا می‌کند.^{۱۱}
یعنی اینکه، پدرش در حین تألیف کتاب در قید حیات بوده است، و
حال آنکه در اواخر جلد دوم اذعان به وفات پدر خود دارد.

در هر صورت از مقایسه مواضع مختلف کتاب با یکدیگر، نتیجه
گرفته می‌شود که شروع تألیف کتاب در حدود سال ۶۵۰ یا ۶۵۱ ه.ق.
است. از آنجا که تاریخ رسیدن عطاملک به حضور منگوقاآن، به
وضوح در دیباچه جلد اول (ص ۲) کتاب آمده است، پس شروع به
تألیف کتاب نمی‌تواند مقدم بر سال ۶۵۰ ه.ق. باشد. دلیل دیگر آنکه
تولد عطاملک در سال ۶۲۳ ه.ق. بوده است، و به تصریح خود او در
دیباچه جلد اول جهانگشای (ص ۶)، در زمان تألیف ۲۷ ساله بوده
است. پس بدون شک تألیف دیباچه در حدود سال ۶۵۰ یا ۶۵۱ ه.ق.
واقع می‌شود. از طرفی دیگر، آخرین تاریخی که در کتاب دیده
می‌شود، سال ۶۵۸ ه.ق. است. پس تاریخ تألیف کتاب به طور قطع

تاریخ جهانگشای جوینی به لحاظ زمانی مقدم بر دو تاریخ مهم آن دوره یعنی «جامع التواریخ» و «تاریخ و صاف» است. این تاریخ برای اطلاع از احوال مغول، به خصوص شعبه‌ای که در ایران سلطنت کرده‌اند، یکی از مسلم‌ترین و معتبرترین مدارک محسوب می‌شود

داشت. با این حال می‌توانسته از گفته‌های افراد مسن‌تری که هم‌عصر آن دوران بودند، استفاده کند.^{۱۵} یکی از منابع مهم عظامک در تألیف جلد اول کتاب خود، تاریخ سری مغول بوده است.^{۱۶} بارتولد می‌نویسد: «مغولان پیش از چنگیزخان، دارای خط و کتابت نبودند و پس از پذیرفتن الفبای اویغوری - پیش از هر کاری از آن الفبا به منظور تدوین و تنظیم آنچه اصطلاحاً «مقررات چنگیزخانی» نامیده می‌شود [یاسای چنگیزی] یعنی رسوم و معتقدات عامه مغولان که مورد تصویب وی واقع شده بود، استفاده کردند. مراعات مقررات مزبور نه تنها برای ساکنان امپراتوری، بلکه برای خود خاندان مغول نیز الزامی بوده است. بدین طریق «یاسای کبیر» چنگیزخان پدید آمد. بسیاری از مورخان و از آن جمله جوینی، از وجود نسخ کتبی یاساسخن گفته‌اند و به گفته جوینی، این قوانین بر اورا قی که در خزانه شاهزادگان بزرگ حفظ می‌شده، تحریر گشته است. مشروح‌ترین اطلاعات را درباره مقررات یاسا در تألیف مقریزی نویسنده مصری می‌توان یافت».^{۱۷}

در باب شهرهای خراسان و ماوراءالنهر نیز تاریخ‌های مستقل بسیار تألیف شده است که (بعضی از آنها هنوز به دست نیامده است) در تحقیق تواریخ آن نقاط مرجع مهم و عمده به شمار می‌آیند. در بین کتب قدیم راجع به تاریخ خراسان، یکی اخبار و لاة خراسان تألیف ابو علی حسین بن احمد سلامی بوده که با امراء چغانیان از آل محتاج معاصر و مرتبط بوده است و کتاب او برای مورخین بعد و کسانی مانند ابن اثیر و حتی جوینی، مأخذ عمده جهت اخبار قدیم خراسان به شمار می‌رفته است.^{۱۸}

جلد دوم، بدون مقدمه، تاریخ دولت خوارزمشاهیان و وقایع مربوط به این خاندان و سلاطین آنها را ذکر می‌نماید و در ضمن آن، اطلاعات مفیدی درباره ملوک ترک معروف به «قراختائیان» یا «گورخانیان» که نزدیک به نود و پنج سال از حدود سال‌های ۵۱۲-۶۰۷ ه.ق. در ماوراءالنهر و ترکستان شرقی، از جیحون تا حدود کاشغر، حکومت کردند، به دست می‌دهد جوینی در این جلد اغلب ملوک الطوایف ترک آن نواحی (معروف به افراسیابیه، خانبه، ایلک خانبه و آل خاقان) که مدت دو بیست سال بعد از حکومت سامانیان و قبل از مغول در ماوراءالنهر و ترکستان حکومت کردند، و چند

تن از شاهان خوارزم را هم که تحت حمایت آنها بودند، ذکر کرده است. این بخش به غایت مبهم است. در اواخر این جلد، تاریخ سرگذشت حکام و شحنگان مغول چون جنتمور و نوسال و گرگوز و

امیرارغون، که از عهد اوکتای قآن تا ورود هولاکو (۶۲۶-۶۵۳ ه.ق.) در ایران و نواحی آن، حکمرانی کرده‌اند، ذکر شده است.^{۱۹}

در خصوص منابع مورد استفاده عظامک جوینی در جلد دوم کتاب، بارتولد می‌نویسد: بخش مهمی از تاریخ جهانگشای جوینی مربوط به خوارزمشاهیان است و از این رهگذر، تنها منبع میرخواند و ناقلان ایرانی قبل از وی است. جوینی و ابن اثیر هر دو در شرح تاریخ خوارزمشاهیان از تألیف ابوالحسن علی بن زید بیهقی به نام مشارب التجارب و غوارب الغرائب استفاده کرده‌اند. بنا بر گفته جوینی، تاریخ بیهق دنباله تألیف دیگری یعنی تجارب الامم بوده و بیهقی است که منظور کتاب ابن مسکویه ابوعلی احمد بن محمد متوفی به سال ۴۲۱ ه.ق. می‌باشد. جوینی گذشته از این به دایرةالمعارف یا «جامع العلوم» محدث و عالم روحانی مشهور، فخرالدین ابوعبدالله محمد بن عمر رازی (متوفی به سال ۶۰۶ ه.ق.) اشاره و استناد می‌کند. (این دایرةالمعارف برای خوارزمشاه تکمیل نوشته شده است). بخش اعظم اسناد به قلم منتجب الدین بدیع نویسنده «عتبة الکتبه» دبیر سلطان سنجر است. جوینی در واقعه لشکرکشی سلطان سنجر به خوارزم، در سال ۵۴۲ ه.ق. از بدیع سخن می‌گوید.

محمدبن نجیب بکران، کتاب جهان نامه را برای محمد خوارزمشاه (۶۱۷-۵۹۷ ه.ق.) به زبان فارسی نوشت. در این کتاب پاره‌ای اطلاعات جالب توجه در جغرافیای ماوراءالنهر و تاریخ قراختائیان یافت می‌شود. مجملی از تاریخ قراختائیان که ماوراءالنهر را به زیر سیطره خویش در آورده بودند، در تألیف جوینی، مندرج است که در این مورد به خصوص مشحون از خطاها و مبهمات و تناقض‌های فراوان است. با این حال کتاب جوینی تقریباً تنها منبع ناقلان بعدی بوده است.^{۲۰}

جلد سوم، شامل مطالبی چون شرح وقایع تاجگذاری و جشن جلوس منگوقاآن (سنه ۶۴۹ ه.ق.) و بعضی وقایع اوایل ایام سلطنت او، تفصیل حرکت هولاکو به بلاد ایران (سنه ۶۵۳ ه.ق.) و قلع و قمع اسمعیلیان، تاریخ امامان اسمعیلیه الموت و شرح مذهب این طایفه و سرگذشت احوال ایشان از آغاز ظهور است. جلد سوم با ذکر آخرین امام اسماعیلیان نزاری الموت و انقراض آنها به دست هولاکو پایان می‌یابد. (سال ۶۵۵ ه.ق.)

در بعضی از نسخه‌های تاریخ جهانگشای، در آخر جلد سوم، فصلی در شرح واقعه فتح بغداد به دست هولاکو، تألیف و خواجه نصیرالدین طوسی، به عنوان ذیل جهانگشای، ضمیمه گردیده است.^{۲۱}



طلشت برنجی معروف به طلشت غسل تمیید، ساخت مصر یا

علامه محمد قزوینی می‌نویسد: «فی الواقع جای افسوس است که عطا ملک که تا سنه ۶۸۱ ه.ق. مدت ۲۷ سال بعد از انقراض اسماعیلیان الموت در حیات بوده است و خود به شخصه، در فتح بغداد و غالب وقایع بزرگ سلطنت هولاکو و اباقا و تکویدار حضور داشته است و بافضل و هنری که در شیوه کتابت و صنعت تألیف دارا بوده و این کتاب بهترین شاهد آن بوده است، با وجود این وقایع دوره طولانی ۲۷ ساله را به کلی در بوته احوال گذارده و به هیچ وجه آنها را به قلم خود نیاورده است».^{۲۲}

منابع مورد استفاده عطا ملک در جلد سوم، قسمتی مربوط به حضورش در سفرهای ارغون به قراقرم، پایتخت مغولان و حضورش در قوريلتای منگوقاآن بوده، که خود شخصاً شاهد بر آن وقایع بود. قسمتی دیگر مربوط به مأموریت هولاکو خان به جهت قلع و قمع اسماعیلیان نزاری الموت بود که عطا ملک، شخصاً در کنار هولاکو حضور داشت و آن وقایع را در جلد سوم کتابش آورده است. اما مهم‌ترین بخش جلد سوم، مربوط به تاریخ اسماعیلیان و پیدایش و ظهور آنان تشکیل دولت نزاری در الموت توسط حسن صباح و جانشینان او و شمه‌ای از عقاید اسماعیلیان است. عطا ملک جوینی در طی یورش که مغولان به الموت انجام دادند، به کتابخانه آنها راه یافت و توانست تعدادی از کتاب‌های اسماعیلیان نزاری، از جمله کتاب سرگذشت سیدنا تاریخ جیل و دیلم را از سوختن نجات دهد و در خصوص احوال حسن صباح و حوادث عمده زمان او، و همچنین تاریخ دولت نزاریان در ایران و تاریخ قدیم اسماعیلیان و امامان فاطمی از کتاب سرگذشت سیدنا و سایر آثار دیگر در تألیف کتاب خود استفاده وسیعی نماید.^{۲۵}

ارزش و اهمیت تاریخ جهانگشای جوینی:

«و فضیلت خواجه علاء الدین، را کتاب جهانگشای گواهی عدل است».^{۲۶}

علامه محمد قزوینی می‌نویسد: «به واسطه اهمیت موضوع جهانگشای، یعنی تاریخ مغول و خوارزمشاهیه و اسمعیلیه و فقدان تألیفی دیگر در این مواضع در آن عصر، با ملاحظه مزایایی که جوینی را در تألیف این کتاب فراهم بوده است؛ چه وی از اعظم رجال دولت مغول بوده و سال‌های دراز در طول و عرض ممالک مغول سفر نموده و غالب وقایع را خود به رأی العینی مشاهده کرده، یا بلا واسطه از ثقات قوم شنیده و آباء و اقارب وی همه از ملازمان دولت خوارزمشاهیه و مغول بوده‌اند و کتابخانه شایع الصیت الموت که تاریخ اسمعیلیه این کتاب مستخرج از آن است، به فرمان هولاکو به تمامها به تصرف جوینی درآمده بود. بدین ملاحظات، کتاب

جهانگشای از همان زمان تألیف شهرت عظیم یافته و قبول عامه به هم رسانیده و طرف وثوق خواص گردیده است. این است که غالب مورخین از معاصرین مؤلف یا متأخرین از او هم رسماً از این کتاب نقل کرده‌اند و آن را یکی از مأخذ معتبره خود محسوب داشته‌اند».^{۲۷}

تاریخ جهانگشای جوینی به لحاظ زمانی مقدم بر دو تاریخ مهم دیگر آن دوره یعنی جامع التواریخ و تاریخ و صاف است. این تاریخ برای اطلاع از احوال مغول، به خصوص شعبه‌ای که در ایران سلطنت کرده‌اند، یکی از مسلم‌ترین و معتبرترین مدارک محسوب می‌شود.^{۲۸}

به عقیده ادوارد براون کتاب جهانگشای یک تاریخ عمومی نیست، بلکه تاریخی خصوصی است که حوادث دوران چنگیز و اجداد و احفاد او را به همراه سرگذشت دو خانواده از سلاطین راکه در ایران و عراق با چنگیز به جنگ درآمده بودند، ثبت کرده است.^{۲۹}

پطروشفسکی می‌نویسد: «از لحاظ کار ما مطالب تألیف جوینی بیشتر از سه جهت ارزنده است:

۱- اطلاعات مربوط به خرابی‌های زمان غلبه مغول از لحاظ وضع اقتصادی ایران در نیمه اول قرن سیزدهم میلادی (قرن هفتم ه.ق.) نمودار نیکی است.

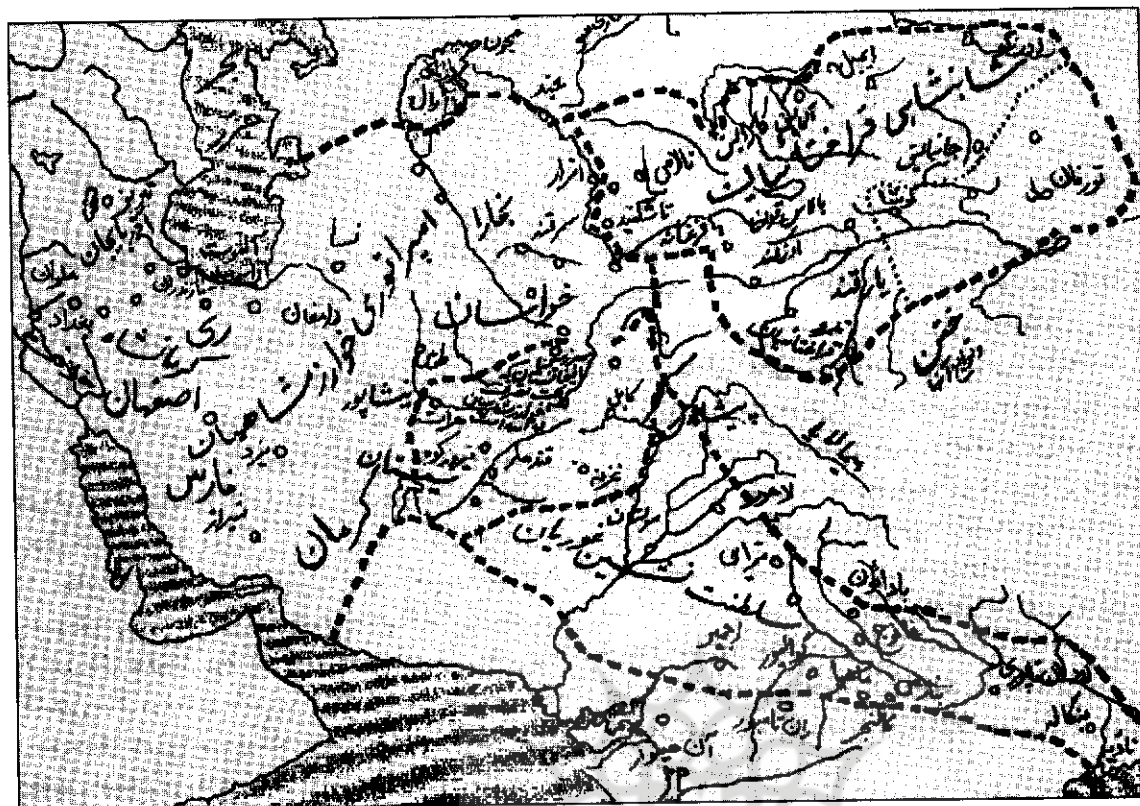
۲- شرح «یاسای کبیر» چنگیزخان

۳- اطلاعات مربوط به سیاست مالیاتی جانشینان خان بزرگ مغول در ایران که قبل از هولاکو خان حکومت می‌کرده‌اند».^{۳۰}

بعد از کتاب نسوی، اثری که در مورد خوارزمشاهیان ماهیت تک‌نگاری (منوگرافی) داشته و از نظر مرجع بودن به اندازه سیرت سلطان جلال‌الدین... حائز اهمیت است تاریخ جهانگشای عطا ملک جوینی است.^{۳۱}

مطابقت بعضی از مطالب کتاب جهانگشای با تاریخ سیری مغولان، به میزان زیادی بر ارزش آن افزوده است.^{۳۲} عطا ملک در تألیف فصل تاریخ مغولان، به اطلاعات شفاهی آنها بسنده نکرده است بلکه، اصطلاحاتی را که در کتاب خود به کار برده، حکایت از منشأ و منبع مغولی آنها می‌کند.^{۳۳}

ملک الشعراى بهار می‌نویسد: «... به شیوه مقدمه ابن خلدون جای به جای - هر چند بسیار مختصر - مسائل فلسفی و اصول صحیح اجتماعی در علل حقیقی شکست خوارزمشاهیان و انقراض مدنیت ایرانیان در برابر حادثه تاتار و علت‌های واقعی دیگر پیشرفت کار چنگیز و اتباع خونریز او را آورده است که در عالم خود منحصر به فرد می‌باشد و در کتب فارسی بلکه تواریخ تازی سوای ابن خلدون، کسی به این نحو درگنه مسائل تفحص و تعمق ننموده است؛ گذشته از این با آنکه در صدد مدح مخادیم خود بوده است، باز از ذکر حقایق تاریخی خودداری ننموده و هر جا که به وقایع عمده برخورد است،



نقشه امپراطوری خوارزمشاهیان و قراختائیان در آغاز قرن سیزدهم م.

مطابقت بعضی از مطالب کتاب «جهانگشای» با «تاریخ سری مغولان» به میزان زیادی بر ارزش آن افزوده است

مشروح ترین اطلاعات را درباره مقررات یاسا در تألیف مقریزی، نویسنده مصری می توان یافت

محمد شبانگاره‌ای، در تألیف کتابش، مجمع الانساب از تاریخ جهانگشای جوینی استفاده شایانی کرده است.^{۳۹}

ابن طباطبای معروف به «ابن طقطقی»، صاحب کتاب الفخری هم چندین فقره با ذکر مأخذ از تاریخ جهانگشای نقل کرده است.^{۴۰}

حمدالله مستوفی، در مقدمه کتاب خود تاریخ گزیده - یکی از منابع مورد استفاده اش را اثر عظاملک جوینی نام می‌برد.^{۴۱}

تاریخ‌شاهی قراختائیان، از مؤلفی ناشناخته در قرن هفتم هجری هم در تألیف کتابش از مطالب جوینی سود جسته است.^{۴۲}

شهاب الدین فضل‌الله الکاتب دمشقی، صاحب کتاب مسالک الابصار فی ممالک الامصار که کتابی در تاریخ و جغرافیا است، در چندین موضع مطالبی را از کتاب جهانگشای به عربی ترجمه نموده است.^{۴۳}

ابن بی‌بی، کتاب الاوامر العالیه را به عنوان متمم تاریخ جهانگشای جوینی نوشته است و قصدش از نوشتن این کتاب بیشتر ایجاد یک اثر ادبی و نظیر سازی در برابر اثر جاویدان عظاملک جوینی بوده است.^{۴۴}

میرخواند، مؤلف تاریخ ۶ جلدی روضة الصفا است، او در جلد پنجم در شرح تاریخ سلسله خوارزمشاهیان و قراختائیان و مغولان، از تاریخ جهانگشای و تاریخ و صاف استفاده بسیار کرده است.^{۴۵}

شرف الدین علی یزدی مؤلف تاریخ ظفرنامه؛ خواندمیر مؤلف تاریخ حبیب السیر؛ نظام الدین شامی مؤلف تاریخ ظفرنامه شامی؛ و حافظ ابرو مؤلف کتاب زبدة التواریخ همگی در تألیف اثر خود از کتاب جهانگشای جوینی استفاده کرده‌اند.^{۴۶}

حاق مطلب را به قلم آورده و از تملق و مداهنه خودداری کرده است.^{۳۴}

برتری مسلم جوینی نسبت به تواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و وصاف در این است که او در عهد وحدت امپراتوری مغول، شخصاً به ترکستان و سرزمین اویغور و مغولستان سفر کرده و کوشیده است تا حدی که منابع به وی اجازه می‌داد، تاریخ سراسر امپراتوری مزبور را شرح دهد. رشیدالدین و وصاف بیشتر و به طور کلی به تاریخ دولت مغولی در ایران و تاحدی چین که با آن دولت متحد بوده، توجه می‌کنند. تاکنون تألیف جوینی - چنانکه شایسته آن بوده ارزیابی نشده است.^{۳۵}

غالب مورخین از معاصرین عظاملک جوینی یا متأخرین، از اثر او بهره برده‌اند و آن را یکی از مأخذ معتبر خود محسوب داشته‌اند، که به بعضی از آنها اشاره می‌گردد، مانند:

وصاف الحضرة در اثر معروف خود به نام تجزیة الامصار و تزجیه الاعصار (تاریخ و صاف) که در واقع به عنوان ذیل تاریخ جهانگشای جوینی تنظیم شده است، در روش تاریخ‌نگاری پیرو عظاملک جوینی بوده است.^{۳۶}

ابن عبری کشیش سریانی، مؤلف کتاب مختصر الدول، برای نگارش تاریخ سلسله خوارزمشاهیان و شرح حال اسماعیلیه و چگونگی حمله مغول، از تاریخ جهانگشای جوینی استفاده کرده است.^{۳۷}

داودبناکتی، کتابی به نام روضة اولی الالباب فی تواریخ اکابر و الانساب دارد که در خصوص وقایع مغول و ایلخانان مطالب بسیاری از کتاب جهانگشای اقتباس کرده است.^{۳۸}

- ۲۳- تاریخ جهانگشای جوینی، ج ۳، ص ۱۸۷.
- ۲۴- همان کتاب، ج ۳، ص ۲۷۰.
- ۲۵- دفتری، فرهاد: مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر فرزاد روز، ۱۳۷۸، ص ۱۲ و ۱۳.
- ۲۶- دولت‌شاه سمرقندی، امیر: تذکره الشعراء، به همت محمد رضانی، تهران، انتشارات پدیده، ۱۳۶۶، ص ۸۳.
- ۲۷- مقدمه مصحح بر جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی، ص عز.
- ۲۸- مرتضوی، منوچهر: مسائل عصر ایلخانان، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۰، ص ۳۷۸.
- ۲۹- تاریخ ادبی ایران، ترجمه علی اصغر حکمت، ج ۳، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷، ص ۹۱.
- ۳۰- کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ترجمه کریم کشاورز، ج ۱، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴، ص ۱۷.
- ۳۱- قفس اوغلی، ابراهیم: تاریخ دولت خوارزمشاهیان، ترجمه داوود اصفهانیان، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۷، ص ۱۷.
- ۳۲- سجادی، سیدصادق و هادی عالم‌زاده: تاریخ‌نگاری در اسلام، انتشارات سمت، ۱۳۷۵، ص ۹۶.
- ۳۳- بیات، عزیزالله: شناسایی منابع و مآخذ ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۱۴۹.
- ۳۴- سبک‌شناسی، ج ۳، ص ۵۲.
- ۳۵- و. و. بارتولد: ترکستان نامه، ج ۱، ص ۱۱۴ و ۱۱۳.
- ۳۶- شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران، پیشین ص ۲۲۳ و ۲۲۵.
- ۳۷- پیشین، ص ۱۱۴ و ۱۱۵.
- ۳۸- به کوشش جعفر شعار، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸، ص ۳۹۱.
- ۳۹- به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶، ص ۲۲۵ و ۲۶۴.
- ۴۰- مقدمه مصحح بر جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی، ص ف.
- ۴۱- شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران، پیشین، ص ۱۵۸ و ۱۵۹.
- ۴۲- به اهتمام و تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.
- ۴۳- مقدمه مصحح بر جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی، ص ف.
- ۴۴- صفاء، ذبیح‌الله: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۶۳، ص ۴۹۵.
- ۴۵- شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران، پیشین، ص ۲۱۶ و ۲۱۵.
- ۴۶- لمبتون، آ.ک. س.، و دیگران: تاریخ‌نگاری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۰، ص ۸۷.
- ۴۷- مقدمه مصحح بر جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی، ص عح.

اما مهم‌ترین مورخ دوران ایلخانان مغول، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر غازان و اولجایتو، مؤلف جامع‌التواریخ است. وی در تألیف کتابش، تقریباً تمام مندرجات مجلدات سه‌گانه تاریخ جهانگشای جوینی را، چه به صورت کلی و چه به صورت تلخیص و اختصار آورده است.^{۴۷}

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- اقبال، عباس: تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری، تهران، نشر نامک، ۱۳۷۶، ص ۱۶۹ و ۱۷۰.
- ۲- جوینی، علاء‌الدین عطاملک: تاریخ جهانگشای، به سعی و اهتمام محمد بن عبدالوهاب قزوینی، ج ۱، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۵، ص ۶.
- ۳- بیانی، شیرین: دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱، ص ۲۸۶.
- ۴- تاریخ جهانگشای جوینی، ج ۱، ص ۷.
- ۵- بیانی، شیرین، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲، ص ۳۸۶.
- ۶- تاریخ جهانگشای جوینی، ج ۱، ص ۲ و ۳ و ۶ و ۷.
- ۷- همان کتاب، ج ۱، ص ۶۶.
- ۸- مقدمه مصحح بر جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی، ص فد.
- ۹- تاریخ جهانگشای جوینی، ج ۱، ص ۱۱۸.
- ۱۰- مقدمه مصحح بر جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی، ص فه.
- ۱۱- تاریخ جهانگشای جوینی، ج ۱، ص ۴ و ۶.
- ۱۲- مقدمه مصحح بر جلد اول تاریخ جهانگشای، ص فه.
- ۱۳- عباس اقبال: تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری، ص ۴۸۶.
- ۱۴- مقدمه مصحح بر جلد اول تاریخ جهانگشای، ص فابه.
- ۱۵- بارتولد، و. و.: ترکستان نامه، ترجمه کریم کشاورز، ج ۱، انتشارات آگاه، ۱۳۶۶، ص ۱۱۲ و ۱۱۳.
- ۱۶- بویل، جی. آ. «آثار جوینی و رشیدالدین به عنوان منابع تاریخ»؛ ترجمه اسماعیل دولت‌شاهی، مجله سخن، ش ۵، دوره ۲۳، (فروردین) ۱۳۵۳، ص ۵۱۰-۵۱۲.
- ۱۷- ترکستان نامه، ج ۱، ص ۱۱۶ و ۱۱۷.
- ۱۸- زرین کوب، عبدالحسین: تاریخ ایران بعد از اسلام، (در باب مآخذ) تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۶۲.
- ۱۹- مقدمه مصحح بر جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی، ص فا و فب.
- ۲۰- ترکستان نامه، ج ۱، ص ۹۲-۹۶ و ۱۰۴-۱۰۵.
- ۲۱- مقدمه مصحح بر جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی، ص فب و فح.
- ۲۲- همان، ص فح.